به انگیزه 14 صفر، زادروز فرزانه پارسا ملاّ محسن فیض کاشانی «ره»

پدید آورنده : خادم حسین فاضلی ، صفحه 50

مقدمه

در آسمان روح بخش تشیّع، ستارگانی درخشیده اند که با فروغ دانش، حکمت و تلاش خویش، بشریت را راهگشا بوده اند و سراسر زندگانی اثر بخش شان مصروف نشر علم، اندیشه و معارف قرآنی و دانش اهل بیت گردیده، و به راستی که چنین شخصیت های کم نظیری وارث به حق انبیاء الهی بوده و هستند.

فقیه فرزانه و عارف ربّانی؛ محمد محسن فرزند شاه مرتضی معروف به فیض کاشانی (1007 - 1091 ق) از زمره دانشورانی است که الگوی پارسایی، اخلاق و نیز چشمه جوشان معارف و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و بحر خروشان عرفان و فلسفه بود. عشق به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) چنان در وجودش نفوذ کرده بود که وی را به مقام واصلان به حقیقت رسانید.

میلاد فیض

محمد محسن، که به او مولی محسن کاشانی نیز می گویند در چهاردهم ماه صفر 1007 ق. در خاندان علم، عرفان و ادب در کاشان، چشم به جهان گشود، پدر وی مردی فقیه، متکلّم، ادیب و مفسر بود و در کاشان حوزه تدریس داشت.

مادر فیض «ره» زهرا خاتون، بانوی عالم و شاعر، دختر ضیاء العرفاء رازی - از عالمان بزرگ شهر ری - بوده است. جد مرحوم فیض، تاج الدین شاه، عالم، عارف و شاعر و از نامداران دوران خویش در کاشان بوده و در همان دیار مدفون است.

دوران کودکی و تحصیلات

مرحوم مولی محسن فیض کاشانی، در سن دو سالگی پدر را از دست داد؛ از این رو، دایی و عمویش، تربیت و تعلیم وی را عهده دار شدند. او مقدمات علوم دینی را تا سن بلوغ در کاشان نزد عمو و دایی خویش فرا گرفت.

هجرت برای کسب دانش

فیض کاشانی «ره» در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان کوچ کرد، و در آن جا از محضر جمعی از بزرگان تلمّذ نموده و علوم گوناگون از جمله ریاضی را آموخت، وی سپس برای فراگیری دانش حدیث و رجال شناسی، رهسپار شیراز گردید و از دانش فقیه نامدار «سید ماجد صادقی بحرانی» بهره ها گرفت و در زمینه فقه و احکام عملی به مقام اجتهاد نایل آمد.

سید نعمت الله جزائری نوشته است: مولا محسن کاشانی، قریب به دویست کتاب و رساله دارد، وی هنگامی که قصد سفر به محضر سید ماجد صادقی بحرانی برای اخذ علوم نمود، به خاطر تردید، بنا را بر استخاره گذاشت، این آیه آمد: «فلولا نفر من کلّ فرقةٍ طائفة لیتفقهوا فی الدین»؛ «پس چرا از هر فرقه ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند، تا در دین آگاهی پیدا کنند.»

مرحوم فیض دوباره از شیراز به اصفهان کوچید، و از محضر «شیخ بهاء الدین عاملی» نیز اجازه روایت حدیث گرفت و سپس به حج و زیارت عتبات رفت و در همین سفر از مرحوم «شیخ محمد بن شیخ حسن عاملی» نیز اجازه نقل حدیث گرفت.

مونس تنهایی ملا صدر

فیض کاشانی پس از مراجعت از مکّه به دیگر شهرهای ایران سفر نموده از دانشمندان آن شهرها بهره گرفت؛ زمانی که ملا صدرای شیرازی در کهک قم اقامت گزید، و دوره ریاضت و علم باطنی را شروع کرد، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبد الرزاق لاهیجی صاحب شوارق، نزد وی شتافته و طیّ هشت سال مونس تنهایی او بودند، و در مصاحبت های دایمی، کمال استفاده معنوی را از او می بردند.

در این دوران ملا صدرا، دو دختر عالمه خود را به همسری دو شاگرد خویش درآورد، و آن دو داماد و شاگرد خود را به «فیض» و «فیّاض» لقب داد. هنگامی که حاکم شیراز از ملا صدرا، تقاضای مراجعت به آن دیار را نمود، فیض نیز به درخواست استاد و پدر خانم خویش، همراه وی آهنگ شیراز کرد و دو سال در آن جا ماند. فیض کاشانی در زندگی نامه خویش در این باره چنین نگاشته است: «... تا آن که در بلده طیبه قم به خدمت صدر اهل عرفان و بدر سپهر ایقان «صدر الدین محمد شیرازی» - قدس الله سره - که در فنون علم باطن، یگانه دهر و سرآمد عصر بود، رحل اقامت افکندم، و مدّت هشت سال به ریاضت و مجاهده مشغول شدم تا فی الجمله بصیرتی در فنون علم باطن یافتم.

شبان وادی حسرت گهی رسد به مراد

که هشت سال به جان خدمت شعیب کند

و آخر به شرف مصاهرت ایشان سرافراز گردیدم، باز چون مشار الیه را از قم به شیراز تکلیف نمودند به مقتضای «فان اتممت عشرا فمن عندک»؛ «و اگر آن [کار] را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست»، به شیراز رفته قریب به دو سال دیگر در خدمت با برکات ایشان به سر برده و از انفاس طیبه ایشان بسی استفاده نمودم. بعد از این مدت وی به کاشان بازگشت و به امر تدریس، تعلیم، تبلیغ، تألیف و تصنیف مشغول گردید و گاه در قمصر و یا کاشان، با جمعی از دوستان، نماز جمعه اقامه می نمود.

شاگردان معروف فیض

دانش کلان فیض کاشانی، به سان سرچشمه نوری بود که همواره کشور وجود شاگردان را آفتابی نگاه می داشت؛ شاگردان محفل علمی وی هر کدام سرآمد دوران و استادان عصر خویش شدند، و ما در این جا برای نمونه چند تن از آنان را نام می بریم، - تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل -.

1- ملا محمد باقر مجلسی، مؤلف بحار الانوار؛ 2- سید نعمت الله جزائری؛ 3- قاضی سعید قمی؛ 4- ملا محمد صادق خضری؛ 5- شمس الدین قمی؛ 6- محمد محسن عرفان شیرازی؛ 7- عَلَم الهدی؛ فرزند فیض که دارای آثار علمی فراوان می باشد؛ 8- معین الدین، فرزند دیگر فیض که او نیز در فقه و حدیث متبحّر و دارایی تألیفاتی است؛ 9- محمد مؤمن، برادر فیض از فقیهان و مدرسان.

مقام معنوی فیض

مردان بزرگ در میدان عمل از نظر وارستگی و فرزانگی زبانزد خاص و عامند. عالم راستین مانند نخلی است که باید چشمِ انتظار بر قامت سخاوت وی داشت تا عنایت کند و دامن نیاز آدمیان را پر از «گوهر معرفت» سازد، و فیض کاشانی «ره» که در خانواده معروف علم و تقوا رشد پیدا کرد و سپس سالیانی در کنار ملا صدرا تکامل معنوی یافت، بدون شک همین گونه بود.

آیت الله تنکابنی درباره پارسایی و معنویت مرحوم فیض نوشته است:

در زمان شاه عباس، پادشاه فرنگ شخصی را فرستاده به سلطان صفوی نوشت که علمای مذهب شما، با فرستاده من در امر دین مناظره کنند، هر که پیروز شد دیگران به دین او در آیند. فرستاده فرنگ علمی داشت که هر کس چیزی را در دست می گرفت، آن را کشف می کرد. سلطان علما را جمع کرد و سرآمد ایشان ملا محسن فیض بود... فرستاده فرنگ به وی گفت: اکنون چیزی در دست بگیر تا من آن را بگویم. فیض کاشانی تسبیح تربیت سید الشهداء را در دست گرفت، فرنگی در دریای فکر غوطه ور شد، ملا محسن فرمود: چرا عاجز ماندی؟ فرنگی گفت: عاجز نمانده ام، ولی می نگرم که در دست تو قطعه ای از خاک بهشت است، و جهت فکر من برای این است که خاک بهشت چگونه به دست تو رسیده است؟!

فیض کاشانی گفت: راست گفتی و در دست من، قطعه ای از خاک بهشت است و آن تسبیحی از قبر مطهر دختر زاده پیامبر ما امام حسین (علیه السلام) است، پس حقانیت دین ما و بطلان راه تو آشکار شد، فرستاده پادشاه فرنگ اسلام را اختیار نمود.

تألیفات گران سنگ

فیض کاشانی عمر پربار خویش را صرف تعلیم، تربیت و تألیف کرد. وی پس از کسب معارف فراوان، نوشتن کتاب و رساله را از هیجده سالگی آغاز نمود و در طی 65 سال قریب به دویست جلد اثر ماندگار، در معارف، علوم و فنون گوناگون، تألیف کرد. ولی برابر فهرست تهیه شده از سوی ادیب و شاعر، آقای مصطفی فیض، تعداد کتاب ها و رساله های فیض به یکصد و چهل مجلد بالغ می گردد و اینک تنها به چند اثر وی اشاره می شود:

1. تفسیر صافی؛ 2. تفسیر الاصفی؛ 3. الوافی، در 15 جلد؛ 4. معتصم الشیعه؛ 5. الشافی؛ 6. عوامل در نحو (عوامل ملا محسن)؛ 7. منهاج النجات...؛ 8. النوادر؛ 9. مفاتیح الشرایع؛ 10. التطهیر؛ 11. المحجّة البیضاء؛ 12. قرة العیون؛ 13. الشهاب الثاقب؛ 14. زاد السالک؛ ...

چرخش به سوی عرفان و روایات

فیض کاشانی در سال های آغازین بیشتر به دنبال آثار فقهی بوده و پس از آن به سمت عرفان و سیر و سلوک کشیده شده است. چنان که آثار وی این سیر فکری را نشان می دهد. امّا هر چه زمان گذشته او به سوی حدیث گرایش بیشتری پیدا کرده و تألیف «وافی» در امتداد همین گرایش حدیثی او صورت پذیرفته است.

آخرین اثر وی که «الحقایق» است حاوی یکدوره فقه و اخلاق می باشد. در هر صورت فیض پیش از آن که فیلسوف باشد یک فقیه عارف متمسک به اخبار اهل بیت (علیهم السلام) است؛ عارفی که کوشیده تا از هر آن چه در جهت تهذیب نفس و اصلاح اخلاق به کار می آید بهره جوید؛ او حتی به فقه از زاویه اخلاق نگریسته است.

خدمات ارزنده

فیض کاشانی - و شاگرد وی علامه مجلسی «ره» - در رأس عالمان دوره صفویه، در نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) به زبان فارسی، اقدامات جدی به عمل آورده است؛ وی افزون بر تبلیغ و ترویج دایمی معارف ائمه (علیهم السلام) و کوشش در راه تهذیب جامعه از راه تألیفات خویش تلاش وافری در جهت گسترش فرهنگ شیعه نموده است.

«در واقع فیض و علامه مجلسی دو نمونه هستند که در فارسی کردن متون شیعی بیشترین تلاش را کرده اند. نثر ساده و روان آنان باعث شد تا توده های مردم بتوانند به طور طبیعی با ترجمه روایات اهل بیت (علیهم السلام) آشنا شوند، و در کنار رواج شیعه، از این طریق خدمات قابل توجهی نیز به زبان فارسی به ویژه ساده نویسی شده، و این حرکت در برابر نثر مغلق اداری آن دوره، بسیار پر اهمیت است. مرحوم مجلسی به غیر از تألیفات فارسی خویش، بیش از چهل اثر ترجمه دارد، و فیض نیز با عناوین «ترجمة الصلاة»، «ترجمة العقاید»، «ترجمة الشیعه و...» اقدام شایسته ای در نشر فرهنگ شیعه در میان مردم فارسی زبان داشته است. به عنوان نمونه، وی در همان حال که کتاب «الشهاب الثاقب» را در اثبات وجوب عینی نماز جمعه، برای خواص به عربی نوشته، رساله «ابواب الجنان» را که آن نیز در همین موضوع است، به فارسی برای استفاده عامه مردم، تألیف کرده است.

«ادوارد براون» شرق شناس انگلیسی درباره تأثیر نوشته های فارسی در نثر فارسی و نیز رواج تشیّع می نویسد:

«علمای شیعه در اواخر عهد صفوی از قبیل مجلسی ها کار بزرگی کرده اند که همان تعمیم و ترویج عقاید شیعه و تاریخ و احادیث و اخبار است که به زبان عوام نوشته و منتشر ساخته اند؛ علمای مزبور دریافتند که برای رسوخ در قلوب عامّه لازم است به زبان قوم خویش سخن برانند و به طرزی ساده چیز بنویسند و پاداش خود را نیز گرفتند؛ زیرا که در نتیجه این اقدام، عامّه نسبت به مذهب شیعه عشقی مفرط و علاقه کامل پیدا کردند».

فیض از منظر بزرگان

شهید مطهری «ره» درباره این عالم پارسا نوشته است: «فیض کاشانی، یک فرد ذو جنبتین است: یعنی هم یک مرد محدّث فقیهی است و گاهی در آن کار محدّثی و فقاهتش هم خیلی قشری می شود، هم ضمنا یک مرد حکیم و فیلسوفی است، یک مرد ذو جنبتین است.»

مرحوم فیض برای تکاپوی علمی و جستجوی اهل کمال و دانش، مسافرت های فراوان کرده است؛ او از رفتن به مهمانی ها و هم نشینی با اصحاب حکومت، دوری می گزیده؛ او در راه گسترش کلمه حق و عقاید تشیّع هیچ گونه هراسی به خود راه نداده و خود را مقلّد آیات قرآن و تابع اهل بیت (علیهم السلام) معرفی کرده و می گوید:

من هر چه خوانده ام همه از یاد من برفت

الاّ حدیث دوست که تکرار می کنم.

او در سرودن اشعار فارسی و عربی، ید طولا داشته که در آثار وی فراوان به چشم می خورد؛ وی به پیروی از اساتید خویش ملاصدرا، میرداماد و شیخ بهایی، رباعیات، غزلیات، قصاید و مثنوی هایی دارد که در لابه لای بیانات او در چند کتاب و رساله گردآوری شده است. مرحوم فیض در آثار فراوان عرفانی - اخلاقی خویش مانند زاد السالک، المحجة البیضاء، الفت نامه، منهاج النجات، الحقایق فی محاسن الاخلاق و... دستور العمل های اخلاقی و عرفانی جالب و سودمندی دارد که اشاره به آن ها فرصت دیگری می طلبد. در پایان، شعر معروف الفت نامه وی را تقدیم می داریم:

بیا تا مونس هم، یار هم غمخوار هم باشیم

انیس جان غم فرسوده بیمار هم باشیم

شب آید شمع هم گردیم و بهر یکدگر سوزیم

شود چون روز دست و پای هم در کار هم باشیم

دوای هم، شفای هم، برای هم، فدای هم

دل هم، جان هم، جانان هم، دلدار هم باشیم

به هم یک تن شویم و یکدل و یکرنگ و یک پیشه

سری در کار هم آریم و دوش بار هم باشیم

حیات یکدگر باشیم و بهر یکدگر میریم

گهی خندان زهم گه خسته و افکار هم باشیم.

پی نوشت ها:

1. علی اکبر غفاری، المحجة البیضاء، تهران، مکتب الصدوق، 1339، ج 1، مقدمه، ص 22.

2. حبیب الله سلمانی، گلشن ابرار، قم، پژوهشکده باقر العلوم، 1379، ج 1، ص 225.

3. محمد علم الهدی، معادن الحکمة...، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج 1، ص 9 - 12.

4. ده رساله فیض کاشانی، به اهتمام رسول جعفریان، اصفهان، مرکز تحقیقات امیر المؤمنین، 1371، ص 59.

5. همان.

6. سوره توبه (9) آیه 122.

7. ر.ک: میرزا محمد تنکابنی، زندگی دانشمندان، قم، حضور، 1380، ص 315.

8. ده رساله فیض کاشانی (رساله شرح صدر)، پیشین، ص 58.

9. میرزا محمد تنکابنی، زندگی دانشمندان، قم، حضور، 1380، ص 310.

10. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، قم، پژوهشکده باقر العلوم، 1379، ص 226.

11. سوره قصص (28) آیه 27.

12. ده رساله فیض کاشانی، به اهتمام رسول جعفریان، پیشین، ص 61.

13. ده رساله فیض، ص 63 و گلشن ابرار، ص 226.

14. مقدمه الوافی، اصفهان، نشر امام امیر المؤمنین، ص 23.

15. محمد علم الهدی، معادن الحکمه، پیشین، ص 9 - 30.

16. میرزا محمد تنکابنی، زندگی دانشمندان، پیشین، ص 309 و 310.

17. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ص 227.

18. دیوان فیض، ج 1، ص 75.

19. محمد بن سلیمان تنکابنی، تذکرة العلماء، مشهد، آستان قدس، 1372، ص 175 - 176.

20. محمد صادق عارف، راه روشن، ترجمه المحجة البیضاء، مشهد، آستان قدس، 1372، ص 49 - 56.

21. مقدمه ده رساله فیض کاشانی، به اهتمام جعفریان، پیشین، ص 14 - 15.

22. ده رساله فیض کاشانی، (مقدمه) ص 15.

23. تاریخ ادبیات ایران از عهد صفویه تا زمان حاضر، ص 291 به نقل ده رساله فیض (مقدمه) ص 16.

24. مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، 1380، ج 4، ص 661 (پاورقی).

25. رسالة المثواق، چاپ 1348، تصحیح مصطفی فیض، از صفحه 9 به بعد.

26. دیوان اشعار، چاپ سنایی، ص 262.